


بررسی پدیدارشناسانه عوامل و آثار انس با قرآن از منظر دانش آموزان

نعیمه شفیعی اپوروری / دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه شهید باهنر، کرمان، ایران

naime.shafiee@ens.uk.ac.ir

 orcid.org/0000-0001-8092-7970

سیدحمیدرضا علوی / استاد فلسفه تعلیم و تربیت بخش علوم تربیتی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر، کرمان، ایران

hralavi@uk.ac.ir

دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۰۹ - پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۲۰

چکیده

یکی از مهم‌ترین مباحث حوزه قرآنی، انس با قرآن است. پژوهش حاضر با هدف واکاوی فهم دانش‌آموزان درخصوص عوامل و آثار انس با قرآن به‌انجام رسید. در این پژوهش سعی شد تا با رویکرد پدیدارشناسانه، به بازسازی معنایی و استخراج مقولات از نوع فهم و ارزیابی دانش‌آموزان درباره عوامل و آثار انس با قرآن پرداخته شود. گردآوری داده‌ها با استفاده از پرسش‌نامه بازپاسخ و مصاحبه انجام شد. از میان دانش‌آموزان استان کرمان در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱، هفده نفر نمونه پژوهشی به‌صورت هدفمند مطابق با اصل اشباع نظری داده‌ها انتخاب شدند. تجزیه و تحلیل یافته‌ها براساس دیدگاه کرسول (۲۰۱۲) و کاترر (۱۹۹۳) انجام گرفت. نتایج به‌دست‌آمده از عوامل مؤثر در انس با قرآن در دانش‌آموزان تحت سه مقوله فراگیر فردی، خانوادگی و اجتماعی بدین شرح است؛ مقوله فردی با زیرمجموعه عوامل ماورای طبیعی، خدمت به جامعه، علایق شخصی، ارضای نیازها و اجر اخروی؛ مقوله خانوادگی با عوامل ترغیب، توصیه و همراهی خانواده و فضا و جو حاکم بر خانواده؛ و مقوله اجتماعی با عوامل معلم، دوستان، رسانه جمعی، مسجد و جلسات قرآنی. همچنین آثار انس با قرآن با تأکید بر سه عامل دانش، نگرش و رفتار در ساحت تربیت دینی، اخلاقی، علمی، عاطفی و اجتماعی به‌صورت روابط پایدار و متقابل در این مقاله بیان شدند.

کلیدواژه‌ها: قرآن، عوامل انس با قرآن، آثار انس با قرآن، پدیدارشناسی، فهم دانش‌آموزان.

مذهب شامل باورها، اعمال و آداب و رسوم، مربوط به یک امر متعالی (الله) است. دین سیستمی از اعمال و نمادهای مذهبی برای تسهیل و نزدیکی به خداوند به‌منظور پرورش درک رابطه و مسئولیت خود در برابر دیگران در زندگی مشترک در یک جامعه است (کونینگ، کینگ و کارسون، ۲۰۱۲، ص ۳۶). از دیدگاه علامه طباطبائی، دین سلوک (فکری و قلبی، و عملی و رفتاری) در زندگی دنیاست که تأمین‌کننده صلاح و سعادت انسان در این جهان است؛ به‌گونه‌ای که مطابق کمال اخروی و زندگی جاودان حقیقی است (رمضانی، ۱۳۸۷، ص ۱۸۰). تأثیر معارف و آموزه‌های الهی تا جایی است که منجر به دستیابی مدارج عالی ایمان و رسیدن به هدف غایی خلقت انسان می‌شود: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات: ۵۶) (باقری، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۷۳). عبودیت برای انسان با مفهوم برتری مطرح می‌شود و علاوه بر جنبه تکوینی، بعد تشریحی هم دارد که از اراده و اختیار انسان ناشی می‌شود. بنابراین، عبادت نوعی ارتباط انسان با خدای خود از روی معرفت و احساس و اراده و اخلاص است (رهبر و رحیمیان، ۱۳۸۳، ص ۱۴۳). معنویت، هم شامل جست‌وجوی امر متعالی است و هم شامل کشف امر متعالی. امر متعالی آن چیزی است که در عین خارج بودن از خود، در درون خود است (کونینگ، کینگ و کارسون، ۲۰۱۲، ص ۳۶). علامه طباطبائی معنویت را برآیندی از فرایند معرفت، ایمان و عمل صالح در چارچوب شریعت اسلامی می‌داند (الهامی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۳۳). انسان با کسب مدارج متعالی به کمال مطلق نزدیک می‌شود و عبادات او و تمام وجودش رنگ تعبد می‌گیرد: «قُلْ إِنْ صَلَّاتِي وَتُسْكِي وَمَخْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (انعام: ۱۶۲) و هم‌نوا با مجموعه هستی، با عبادت و ذکر خدا جاودانه‌ترین و زیباترین حالات وجودی خویش را درک می‌کند. انس با قرآن یکی از حالات جاودانه محسوب می‌شود.

از آنجاکه قرآن کریم مجموعه‌ای از معارف و آموزه‌های اعتقادی، معرفتی و رفتاری است (چمن‌پیما و همکاران، ۱۳۹۷)، انسانی که این معارف را دربردارد، آثار ایمان در نیت، افکار و کردارش متجلی می‌شود (رهبر و رحیمیان، ۱۳۸۳، ص ۱۴۴). با رشد ایمان و اخلاص در عمل، به تناسب آن، معنویت رو به رشد و فزونی می‌گذارد و آثارش را آشکار می‌سازد (الهامی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۲۴): ذکر خداوند عاملی برای طمأنینه و آرامش نفس می‌شود: «إِلَّا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد: ۲۸)؛ و تابش انوار ربوبی بر قلب از سوی خدای تعالی است، که ایمان و عمل صالح زمینه آن را فراهم می‌کند (الهامی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۲۴). بنابراین، قرآن کتاب خداست؛ مانند یک دریا با ظاهری زیبا و باطنی ژرف، که از درون آن گوهرهای بدیع استخراج می‌شود (مرادی کشاورز و خدزی، ۱۳۹۰، ص ۲۳۳).

با رجوع به منابع گوناگون روشن می‌شود که در جامعه معاصر آرامش و شادی رو به کاهش، و اضطراب، افسردگی و ناآرامی رو به افزایش است (بوک، ۱۳۹۶؛ روث، ۱۳۹۵؛ کلاین، ۱۳۹۴؛ دورانت، ۱۳۹۶؛ اسونسن، ۱۳۹۶؛ آقاجانی و میرباقر، ۱۳۹۴؛ مور، ۱۳۹۸). از سوی دیگر، منابع متعدد در کنار منابع یادشده، اصلی‌ترین عامل بروز مشکلات فوق را دور شدن مردم از معنویت و معنا و گرایش به سمت ماده ذکر می‌کنند (دورزن، ۱۳۹۶؛ فری، ۱۳۹۵). براین اساس، علاوه بر نویسندگان ذکرشده، صاحب‌نظران و نویسندگان و پژوهشگران مختلف به این نتیجه دست یافته‌اند که برای رفع معضل یادشده در جهان، باید به زندگی معنا بخشید (همیلتون، ۱۳۹۶؛ هالیس، ۱۳۹۶؛ لونوار، ۱۳۹۶)؛ چراکه بهبود معنویت و دیانت می‌تواند با افزایش شادی افراد مرتبط باشد (مارتین، ۲۰۰۵؛ نیتل، ۲۰۰۵؛ هوگارد، ۲۰۰۵؛ علوی، ۲۰۰۷؛ همو، ۲۰۰۹) و موجب کاهش استرس و اضطراب شود و از افسردگی بکاهد (ایرانمنش و همکاران، ۱۳۹۳).

معنویت موجب اتصال انسان به امور ماوراءالطبیعی و عرفانی می‌شود و اعتقاد به قدرت الهی به حس کنترل درونی در مواقع استرس‌زا می‌انجامد و از وابستگی خارجی می‌کاهد و این ارمغان را برای بشر دارد که از طرف یک نیروی مطلق و لایتناهی حمایت می‌شود (کونینگ، ۲۰۱۲، ص ۲-۴؛ ایرانمنش و همکاران، ۱۳۹۳). ارتباط معنوی با خداوند باعث آرامش دل‌ها می‌شود و از اضطراب امتحان جلوگیری می‌کند (کوهستانی و همکاران، ۱۳۹۲؛ ایرانمنش و همکاران، ۱۳۹۳) و موجب پیشگیری و بهبود اختلالات روانی، طیف گسترده‌ای از بیماری‌های جسمانی و یک عامل مقابله‌ای در برخورد با ناملایمات ژنتیکی، بیرونی و درونی می‌شود (آقاجانی و میرباقر، ۱۳۹۴؛ کونینگ، مک کالو و لارسون، ۲۰۰۱؛ کونینگ، ۲۰۱۲).

احساس آرامش و سکینه درونی محصول ارتباط مستمر و پیوسته با قرآن (رعد: ۲۸) است (شکوری و فریدونی، ۱۳۹۵). انس با قرآن موجب قرب الهی، هدایت‌یافتگی، پرورش عقل، بیداری وجدان، رهایی از قید و بند مادی و مانند آن می‌شود (کوهستانی و همکاران، ۱۳۹۲؛ بنام و امینی، ۱۳۹۶؛ فاضلی‌دهکردی و رضوان‌خواه، ۱۳۸۹). قرآن کتابی است خواندنی: «أَقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ» (علق: ۱) که پیامبر اسلام ﷺ در حدیث ثقلین به پیروی از آن سفارش می‌کند: «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَ عِرَّتِي أَهْلَ بَيْتِي مَا إِنَّ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضَلُّوا أَبَدًا وَ إِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْصَ»؛ و امیرمؤمنان علی ﷺ آن را عامل آرامش در غربت و تنهایی می‌داند: «اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْسُ الْأَنْسِينَ لِأَوْلِيَائِكَ وَ...؛ إِنَّ أَوْحَشَتَهُمُ الْعُرْبَةُ أَنْسَهُمْ ذِكْرُكَ» (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۷، خطبه ۲۲۷)؛ بنابراین باید آن را تلاوت کرد و در عمق معانی و به الفاظ آن عمل کرد: «إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ» (قیامت: ۱۷)؛ «فَإِذَا قَرَأَهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ» (قیامت: ۱۸).

از مهم‌ترین اهداف فعالیت‌های قرآنی، همچون آموزش قرآن در نظام آموزش و پرورش، تبلیغ فرهنگ قرآنی در صداوسیما، وجود رشته‌های تحصیلی چون علوم و قرآن و حدیث، طرح ۳۳ روزه انس با قرآن در پایه سوم ابتدایی، انس با قرآن از دوران کودکی در سند برنامه پیش‌دبستانی و...، انس با قرآن است. کارگزاران نظام تعلیم و تربیت کشور نیز بر اهمیت انس با قرآن واقف بوده و در متن سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، در بحث گزاره‌های ارزشی، متفق‌القول بر لزوم هماهنگ بودن گزاره‌ها با آموزه‌های قرآن کریم و سنت تأکید داشته‌اند (سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۰، ص ۹). این گزاره‌ها در کارکرد اساسی نظام توسعه فرهنگ قرآنی دارای سه مؤلفه‌اند: ۱. تعمیم و تعمیق ایمان و شناخت قرآن؛ ۲. تعمیم و تعمیق ارتباط و انس با قرآن؛ ۳. تحقق آموزه‌های قرآنی در رفتار فردی و اجتماعی. بدین معنا، این مؤلفه‌ها موجب ارتقای دانشی، بینشی، مهارتی، احساسی، انگیزشی و رفتاری درباره قرآن است (دبیرخانه شورای فرهنگ توسعه قرآنی، ۱۳۹۰، ص ۳۶).

بنابراین، این تحقیق درصدد پاسخ‌گویی به این پرسش‌های اساسی است که چه عواملی در تجربه زیسته دانش‌آموزان موجب انس با قرآن در زندگی آنان شده است؟ و تجربه زیسته دانش‌آموزان با قرآن موجب شکل‌گیری چه آثاری در آنان شده است؟

پیشینه

در زمینه انس با قرآن پژوهش‌های متعددی انجام شده است:

کتاب *انس با قرآن* (میبیدی، ۱۳۸۹) که این موضوع را یکی از مهم‌ترین برنامه‌ها در فرهنگ و جامعه اسلامی و جزء جدایی‌ناپذیر دین معرفی می‌کند.

یدالله‌پور (۱۳۹۰) در پژوهشی راه‌های تقویت انس با قرآن را برای دانشجویان در سه حوزه قلب، عقل و رفتار معرفی کرده است.

کونیک (۲۰۱۲) در مقاله‌ای به بررسی رابطه دین و معنویت با سلامت روانی و جسمانی پرداخته است. کوهستانی و همکاران (۱۳۹۲) به تبیین تجارب دانشجویان پرستاری از انس با قرآن در کنترل اضطراب امتحان پرداختند. حسین‌زاده و همکاران (۱۳۹۵) در بررسی خود، ارتباط انس با قرآن و سلامت روان دانشجویان دانشکده پیراپزشکی دانشگاه تهران را از نظر گذرانده‌اند.

رستمی‌نسب دولت‌آباد (۱۳۹۶) در تحقیقی به بررسی تأثیر انس با قرآن بر بهداشت و سلامت روانی نوجوانان و جوانان پرداخته است.

شکوری و فریدونی (۱۳۹۶) به تعیین شاخص‌های کمی برای تشخیص میزان انس با قرآن پرداخته‌اند. نتایج بررسی‌ها حاکی از آن است که درخصوص عوامل انس با قرآن، آن‌گونه که در این پژوهش آمده، پژوهشی صورت نگرفته است. همچنین تحقیقات بسیاری که درخصوص آثار انس با قرآن انجام شده‌اند، این موضوع را به صورت موردی و اغلب در قالب آثار فردی، مانند اضطراب امتحان، استرس و... مورد توجه قرار داده‌اند. آنچه پژوهش پیش‌رو را از دیگر پژوهش‌ها متمایز می‌کند، پرداختن به آثار انس با قرآن در سه حیطه دانشی، نگرشی و رفتاری و در پنج ساحت تربیتی - اخلاقی، دینی، عقلانی، اجتماعی و عاطفی است. با توجه به اهمیت دوران نوجوانی در زندگی هر فرد و شکل‌گیری تدریجی شخصیت افراد، لازم است ضمن شناسایی عوامل تأثیرگذار بر انس با قرآن، زمینه‌های لازم اشاعه آن را فراهم کرد.

۱. روش پژوهش

پژوهش حاضر با عنوان بررسی برداشت و فهم دانش‌آموزان درباره عوامل و آثار تأثیرگذار انس با قرآن، پژوهشی کیفی و پدیدارشناسانه (Phenomenology) است (کرسول، ۱۹۹۴). در این نوع از پژوهش، ابتدا به گردآوری داده‌ها و سپس به تجزیه و تحلیل آنها پرداخته می‌شود و پژوهشگر در طی پژوهش، پرسش‌ها، عنوان و نمونه مورد مطالعه را پالایش می‌کند (میکاووت و مورهاوس، ۱۹۹۴، ص ۴۴). در این روش تلاش می‌شود تا از منظر نگاه درونی کنشگرهای دخیل در یک فرایند یا پدیده، تجربه زیسته آنها بازنمایی و تحلیل شود (فلیک، ۱۳۹۱). پژوهشگر با افرادی سروکار دارد که با پدیده مورد بررسی ارتباط نزدیکی دارند؛ لذا آگاهی بهتری صورت می‌گیرد. گال، بورگ و گال، ۱۳۹۲، ص ۱۰۴۷-۱۰۵۰). بنابراین با این روش به بررسی فهم و برداشت دانش‌آموزانی پرداخته می‌شود که با قرآن انس داشته و آن را تجربه کرده‌اند.

هدف این پژوهش واکاوی عوامل تأثیرگذار بر انس با قرآن بر روی دانش‌آموزان و بررسی آثار آن در ابعاد مختلف زندگی ایشان است. نمونه آماری، هفده نفر از دانش‌آموزان مقطع تحصیلی متوسطه اول و دوم در استان کرمان در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱ بودند که به روش نمونه‌گیری هدفمند تا رسیدن به اصل اشباع نظری داده‌ها، انتخاب شده‌اند. معیارهای روند یک مصاحبه کیفی، براساس دیدگاه کرسول (۲۰۱۲) انجام گرفته است. معیار شناسایی و انتخاب این افراد، کسب رتبه‌های برتر قرآنی در جشنواره‌های استانی و کشوری و حفظ دست‌کم سه جزء قرآن و

دغدغه‌مندی این دسته از دانش‌آموزان بوده است. پژوهشگران پس از شناسایی و انتخاب افراد، ضمن تشکر از شرکت‌کنندگان، اهداف مطالعه، مدت‌زمان و... را با آنها در میان گذاشتند. جمع‌آوری داده‌ها از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با مدت‌زمان حداقل ۵۰ و حداکثر ۱۲۰ دقیقه صورت گرفت و دست‌کم ده دقیقه پس از مصاحبه به بحث و یادداشت‌برداری اختصاص داده شد. در طول جریان مصاحبه، پرسش‌ها و پاسخ‌ها ضبط و یادداشت‌برداری شدند و برای به‌دست آوردن اطلاعات عمیق‌تر، از پرسش‌های فرعی استفاده شد. ابزار گردآوری داده‌ها شامل پرسش‌نامه نیمه‌باز بود که به‌صورت گسترده‌پاسخ از دانش‌آموزان جمع‌آوری شد و پرسش‌های پژوهش از قبل در اختیار شرکت‌کنندگان قرار گرفت تا جریان مصاحبه بدون تشویش و نگرانی برگزار شود.

تجزیه و تحلیل یافته‌ها براساس دیدگاه کرسول (۲۰۱۲) و کارتر (۱۹۹۳) انجام گرفت. طبق دیدگاه کرسول، مراحل ذیل انجام شد: ۱. کاوش در مفهوم کلی داده‌ها؛ ۲. معنایی مقوله در متن و یافتن یک مضمون گسترده؛ ۳. شناسایی بخش‌های مهم متن؛ ۴. قرار دادن یک کلمه در حاشیه؛ ۵. اختصاص دادن یک کلمه یا عبارت رمزی؛ ۶. شکل دادن یک قطعه متنی (جملات مربوط به یک کد)؛ ۷. فهرست کردن مقولات و گروه‌بندی در یک لیست؛ ۸. بازگشت به داده‌های اولیه و سازمان‌دهی طرح؛ ۹. کاهش فهرست مقولات برای رسیدن به مضمون کلی در شکل دادن به ایده اصلی (کرسول، ۲۰۱۲، ص ۲۴۳-۲۴۵). با توجه به دیدگاه کارتر، ابتدا توصیف واقعه، سپس شناسایی و استخراج معنا و نهایتاً تفسیر و معنایی انجام شد (کارتر، ۱۹۹۳). پس از کسب تجربه، به‌ترتیب به توصیف، معنایی و تفسیر معانی پرداخته شده است. بنابراین، «تفسیر» ابزار اصلی برای فهم تجربه است (کانگ، ۲۰۱۵).

درنهایت محقق از روش‌های زیر برای اعتمادسازی (Trust worthiness) نسبت‌به روش کار و نتایج حاصل از تحقیق کیفی موردنظر، استفاده کرده است. لینکن و گیویا (۱۹۸۵) چهار روش چندگانه جمع‌آوری داده‌ها، ساخت ممیزی یا ساخت مسیر بررسی منظم، کار با تحقیق و مطابقت دادن با اعضا یا روش کنترل اعضا را به‌عنوان راه‌های اعتمادسازی معرفی کرده‌اند (میکاوت و مورهاوس، ۱۹۹۴، ص ۱۴۶)؛ لذا به‌منظور اعتبارسازی پژوهش اقدامات زیر انجام گرفت: ۱. استفاده از روش‌های مختلف گردآوری داده‌ها؛ مانند مصاحبه، پرسش‌نامه بازپاسخ، یادداشت‌برداری و...؛ ۲. برگزاری جلسات مصاحبه در کانون قرآن و کتابخانه، که از نظر علمی و مدیریتی وجه مناسبی برای تحقیق به‌شمار آمد؛ ۳. ضبط و ثبت جلسات مصاحبه به‌صورت صوتی و نوشتاری؛ ۴. زمان طولانی ارتباط با موضوع توسط مصاحبه‌شوندگان، که در سال‌های متوالی رتبه‌های برتری را کسب کرده‌اند؛ ۵. تأیید مجدد یادداشت‌ها پس از پایان هر مصاحبه از افراد شرکت‌کننده؛ ۶. تأیید نتایج نهایی پژوهش توسط شرکت‌کنندگان در مصاحبه و بازبینی مجدد افراد مورد پژوهش درخصوص نتایج به‌دست‌آمده.

۲. یافته‌های پژوهش

۲-۱. عوامل گرایش و انس با قرآن

مسئله دین و پرستش از جمله امور فطری هستند؛ اما این مایه فطری به‌تنهایی برای تربیت کافی نیست؛ زیرا اگر چنین بود، پیامبری مبعوث نمی‌شد. «حس مذهبی» به‌عنوان نشانه تعالی روح، در سرشت همه وجود دارد؛ ولی این گرایش باید در

مسیر رشد قرار گیرد؛ در غیر این صورت، ممکن است به بیراهه بگراید و فاسد شود یا به تدریج از بین برود. «حس مذهبی را باید به‌وسیلهٔ باورهای متقن و محکم، درست پرورش داد و به آن جنبهٔ عقلی و معرفتی بخشید تا بتواند جلوه‌های خود را در زندگی بنمایاند» (کیومرثی، ۱۳۸۹، ص ۴۳). عوامل و شرایط متنوعی در شکوفا شدن استعدادهاى متربی مؤثر است. غفلت از این عوامل ممکن است زنگاری بر روح متربی بر جای گذارد. شناخت و تعمیم عوامل مؤثر در انس با قرآن موجب خودآگاهی، خودسازی و دیگرسازی است. بنابراین اولین پرسش در این مقاله به بررسی این عوامل می‌پردازد.

سؤال اول: چه عواملی موجب گرایش و انس با قرآن در زندگی شما شده است؟

یافته‌های پژوهش حاکی از اهمیت عوامل بسیاری در گرایش و انس با قرآن است که در جدول (۱) به آنها اشاره می‌شود:

جدول ۱: عوامل مؤثر در انس با قرآن

مقولات فراگیر	مقولات سازمان‌دهنده	مفاهیم پایه	کد ناظر	فراوانی
	ماورای طبیعت	۱. رؤیاهای صادقانه ۲. الهامات غیبی	۵، ۴، ۳، ۱۶	۵
	خدمت به جامعه	۱. مفید بودن ۲. انتقال تجربیات	۷، ۱۵، ۱۲، ۶، ۴، ۱۶، ۱	۷
فردی	علائق شخصی	۱. احساس آرامش ۲. ارتقای منش و شخصیت	۱۶، ۱۰، ۷، ۵، ۱۲	۱۷
	ارضای نیازها	۱. کسب مقبولیت و احترام ۲. پذیرفته شدن ۳. دیده شدن	۱، ۱۰، ۱۵، ۹، ۲، ۶، ۵	۷
	اجر اخروی	رضایت الهی	۲، ۱، ۶، ۵، ۴ ۷، ۳، ۱۲	۱۷
خانوادگی	ترغیب، توصیه و همراهی خانواده	۱. تشویق کلامی و رفتاری ۲. پیشنهاد والدین ۳. حضور همیشگی	۱۶، ۹، ۵، ۴، ۱، ۲، ۸ ۱۰، ۷	۱۷
	فضا و جو حاکم بر خانه	۱. تربیت الگویی ۲. لقمه حلال و...	۴، ۲، ۱، ۸	۴
	معلم	۱. توصیه و پیشنهاد ۲. همراهی و پشتیبانی	۱۵، ۲، ۹، ۸، ۱۱، ۱، ۳، ۵ ۱۶، ۱۲	۱۰
	دوستان	۱. تشویق و ترغیب ۲. احساس رقابت	۱۵، ۹، ۱۲، ۱۴، ۷، ۳، ۱۳	۷
اجتماعی	رسانه‌های جمعی	۱. تلویزیون ۲. فضای مجازی	۵، ۱۵، ۹، ۸، ۱، ۷	۶
	مسجد	۱. امام جماعت ۲. فضا و جو مسجد	۱۲، ۱۴، ۶ ۱۱، ۱، ۲، ۱۵، ۳، ۱۳	۹
	جلسات قرآنی	۱. جلسات قرائت خانگی ۲. طرح صالحین	۴، ۲، ۱، ۱۶ ۳، ۶، ۱۵، ۱۱، ۱۲	۹

عوامل مختلفی در گرایش و انس با قرآن تأثیر دارند. مقولات فردی، یا در درون هر شخص به صورت فطری و خدادادی وجود دارند یا در مسیر زندگی ایجاد می‌شوند. در این بُعد، مقولات سازمان‌دهنده عوامل ماورای طبیعی، ارضای نیازها، علایق شخصی و خدمت به جامعه قرار دارد. هر کدام از این مقولات تحت مفاهیم پایه‌ای بیان شده است که در ذیل نمونه‌هایی بیان خواهد شد.

در بین مصاحبه‌شوندگان، برخی، تجارب درونی از امداد و الهامات غیبی را از عوامل مؤثر بیان کرده‌اند:

پس از اولین جلسه حفظ قرآن (جزء ۳۰) با خداوند عهد بستم که اگر در توانم باشم، کل قرآن را حفظ کنم و به دیگران کمک دهم. در همین حین تصادف مرگباری به‌فاصله چند متری ام رخ داد که چندین نفر در دم جان باختند و من در کمال تعجب خودم و اطرافیان کوچک‌ترین آسیبی ندیدم؛ اینکه خدا من را می‌بیند و می‌شنود، موجب شد به عهد خود وفا کنم (کد ۳).
قبل از حافظ شدنم، حتی چهار قل را هم دست‌وپاشکسته می‌خواندم. وقتی به‌سوی قرآن رفتم، بسیار ناباورانه قرآن به‌سوی من شتاب گرفت (تو به راه من بنه گامی تمام / تا منت نزدیک گردم بیست گام) (کد ۱۶).
وقتی برای شرکت در کلاس‌های قرآنی دارالقرآن به خدا تمسک کردم، در عین ناباوری آیه‌ای آمد که خداوند گویی دقیقاً من را خطاب کرده بود. تمام بدنم سرد شد و تا چند لحظه مات و مبهوت به آیه نگاه می‌کردم (کد ۶).
در فاصله حفظ و مرور قرآن، چنددقیقه‌ای به خواب رفتم و در عالم رؤیا خود را معلق میان زمین و آسمان یافتم. فرشتگانی سراسر سفیدپوش را دیدم که از کف پایم به سمت سرم حرکت می‌کردند. بیدار که شدم، حال بسیار عجیبی داشتم. هنوز هم منتظر تکرار چنین رؤیاهایی هستم (کد ۴).
منتظر اعلام نتایج یکی از مسابقات مهم قرآنی بودم که چندمدتی دیر شده بود. با خانواده در سفر مشهد بودیم. در عالم رؤیا حضرت آقا را دیدم که به من انگشتر و چغیه هدیه دادند. این خواب چهار شب متوالی حضور من در مشهد به‌صورت‌های مختلف و با همین مضمون تکرار شد. همین که از سفر برگشتیم، تماس گرفتند و گفتند رتبه اول را کسب کردید (کد ۵).
وجود انسان تنها به بعد مادی او خلاصه نمی‌شود؛ بلکه دارای بعد غیرمادی و جنبه‌های روحانی نیز است (علوی، ۱۳۹۱، ص ۱۱۳): «ثُمَّ سَوَّاهُ وَنَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوْحِهِ» (سجده: ۹)؛ آنگاه او را درست و معتدل ساخت و از روح خود در وی دمید. تجربه درونی نشان‌دهنده التهاب‌ها و هیجانان درونی انسان است. تأثیر عنصر عاطفه در تجربه درونی بسیار پررنگ است و لذا شخص دین‌دار یک رشته هیجانان درونی را تجربه می‌کند که اغلب در ارتباط با مبدأ جهان، یعنی خداوند، ظهور می‌کند (باقری، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۶۹).

احساس مفید بودن و خدمت به خلق یکی از احساسات خوش افراد نزدیک به خداست. افرادی که به دیگران کمک می‌کنند، آرامش خود را در گرو کمک به خلق به‌دست می‌آورند. نظرات مصاحبه‌شوندگان بدین شرح است:

جلسات آموزش قرآن را در یک روستا برای بیست شاگرد آغاز کردم. در مدت‌زمان حضورم در روستا، آرامشی و صفت‌نشینی را در کنار کودکان هفت تا دوازده‌ساله تجربه کردم (کد ۶).
جلسات حفظ قرآن را در روستا داشتم. پس از آموزش، احساس مفید بودن داشتم و لذت می‌بردم (کد ۴).
بعد از اینکه مادرم من را به دارالقرآن بردند و من حافظ شدم، تصمیم گرفتم قرآن خواندن را به ایشان بیاموزم. در مدت‌زمان کوتاهی، نه تنها ایشان در روخوانی تبحر یافتند، بلکه سه جزء را هم حفظ کردند (کد ۱۶).
در منزل کلاس‌های قرآنی برای کودکان فامیل و همسایه‌ها داشتم. تعداد شاگردانم اندک، اما وسعت کلاسمان بی‌نهایت بود. کودکان پاکی که با یادگیری هر حرف و عبارت شادمان می‌شدند، احساس شادی را به من منعکس می‌کردند (کد ۱).
وقتی روش‌های جدید حفظ قرآن براساس صفحات و آیه‌ها را برای دوستان و برخی شاگردانم بیان می‌کنم و تجربیات خودم در این زمینه را برایشان بازگو می‌کنم، خودم را در حال خدمت به دیگران می‌بینم (کد ۷).

هنگامی که حس مذهبی و ایمان واقعی در انسان تحقق یابد و بر خدا توکل کند، فرد به واسطه ارتباط با منبع آرامش، چنان از لحاظ روحی تقویت می‌شود که در مصیبت‌ها و حوادث نیرویی معنوی وجودش را فرامی‌گیرد. انسان بدون ایمان و عقیده مذهبی قادر به زندگی آرامش‌گون نیست (کیومرثی، ۱۳۸۹، ص ۳۰). انسان درونی آکنده از میل و رغبت و شادی دارد و زیرساخت شخصیت او با حس آرامش بنیان نهاده شده است. ظواهر زندگی دنیایی، هرچند در مدت‌زمان کوتاهی میل به لذت را در انسان ایجاد کند، اما این حس مادی‌گرایانه نمی‌تواند بادوام باشد. قرآن درباره نقش آرامش‌دهنده بودن خود می‌فرماید: «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد: ۲۸). طبق مفهوم این آیه می‌توان گفت که تنها یاد خدا آرامش‌بخش دل‌هاست. مصاحبه‌شوندگان این‌گونه اذعان می‌کنند:

آرامشی که زمان قرآن خواندن دارم، هیچ زمان دیگری تجربه نمی‌شود (کد ۱۲):

توصیف برخی حالات معنوی هنگام بودن با قرآن، دشوار است. برای توصیف حالات، با مادرم گفت‌وگو می‌کردم. کلمات قاصر بودند. به مادرم گفتم: چقدر کلمات برای بیان احساسات واقعی کم هستند؛ ما به لغات جدید نیاز داریم (کد ۵). حدود دو هفته از آغاز حفظ کردنم گذشته بود که احساساتم تعدیل شد. بودن با قرآن من و عواطفم را ارتقا داد (کد ۷). قرآن، خود مرا جذب کرد. آغاز این راه، من بودم و مسیر آن، قرآن و تنها قرآن (کد ۱۰). وقتی به سمت قرآن رفتم، من یک قدم به سوی قرآن رفتم و قرآن بیست قدم به سمت من برداشت. تو به راه من بنه گامی تمام / تا ممت نزدیک کردم بیست گام (کد ۱۶).

بنابراین می‌توان گفت که رسیدن به هیچ‌چیز حس مطلوب کامل را برای انسان به‌ارمغان نمی‌آورد. تنها حقیقتی که وقتی به آن دست یابیم، محال است دل‌زدگی در ما پیدا شود، خداوند متعال است و این زمانی است که قلب انسان به «حقیقت»، به «او» یعنی به «توحید»، رسیده باشد.

مازلو معتقد بود که ارضای نیازهای انسان یکی از مهم‌ترین عوامل زیربنایی رشد و شکوفایی است. به عقیده وی، با برآورده شدن نیازهای کمبودی می‌توان انتظار داشت که فرد به خودشکوفایی برسد (آزادی، ۱۳۷۳، ص ۱۶). در این حوزه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

وقتی اولین بار در کودکی رتبه کسب کردم، توجهات بسیاری به سمت من شد. دعوت در جلسات خاص، قدردانی و... این احساس را خیلی دوست داشتم (کد ۵).

مطرح شدن و دیده شدن را بسیار دوست داشتم؛ ولی نه از هر راهی. حضورم در مجالس قرآنی با وجود سن کم و صوت زیبا توجهات بسیاری را به سویم جلب کرد و من راهم را پیدا کردم (کد ۶).

دست زدن در مسجد محله ما رسم نبود. یک روز خیلی اتفاقی مکبر مسجدمان نبود و از من که کودکی شش‌ساله بودم، درخواست کردند تکبیر بگویم. بعد از پایان نماز، تمام مردم برایم دست زدند و این حس ارزشمندی بسیاری به من داد (کد ۲).

علاقه‌ای به شرکت در فعالیت‌های علمی و فرهنگی نداشتم و از تنهایی لذت می‌بردم. همیشه در تنهایی با خدا حرف می‌زدم؛ تا اینکه معلممان گفت: قرآن خواندن صحبت کردن با خداست. قرآن را در تنهایی خود شریک کردم و خدا همراه همیشگی‌ام شد (کد ۱).

«مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَهُ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (نحل: ۹۷)؛ از مرد و زن، هرکس کار شایسته انجام دهد، درحالی که مؤمن باشد، مسلماً او را به زندگی پاک و پاکیزه‌ای زنده می‌داریم و

پاداششان را بر پایهٔ بهترین عملی که همواره انجام می‌داده‌اند، می‌دهیم. «التزام» با «انتخاب» رابطهٔ تنگاتنگی دارد و یکی از لوازم متدین شدن است. ظهور و بروز التزام در درون انسان، با مفهوم ایمان سرشته شده است. ایمان نیز وضعیتی درونی است که در آن، انتخاب و گزینش وجود دارد (باقری، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۷۰). دیدگاه مصاحبه‌شوندگان قابل تأمل است: خود نسخه مهم است که بخواید و علاقه داشته باشد. گام نهادن در راه قرآن، فقط خواندن و حافظ شدن ... نیست. باید به آنچه می‌خوانی، عمل کنی. یک ارادهٔ قوی می‌خواهد؛ چون راه دشوار، اما شیرینی است (کد ۴). تلاش و پشتکار و ارادهٔ خودم عاملی بسیار تأثیرگذار بود. شوق دیدار خداوند با رویی پاک و وعده‌هایی که در آیات و روایات داده شده است، من را بسیار ترغیب کرد (کد ۵).

پدرم همیشه می‌گفتند: خداوند در روز قیامت می‌گوید: بخوان و پله‌های بهشت را بالا برو. دوست داشتم درحالی که از ابتدا تا انتهای قرآن را می‌خوانم، رضایت خداوند را حس کنم و اجرم را بگیرم (کد ۶). در رویکرد فرد پیش - اجتماعی، انسان به‌عنوان فردی مستقل از جامعه دیده می‌شود. فرد نیازهایی دارد که با به‌دوش کشیدن این نیازها وارد جامعه می‌شود. در این رویکرد، جامعه همچون محملی است که فرد در آن، فرصت بروز خود را دارد و به نیازهای فردی خویش پاسخ می‌دهد. از همین رو موجودیت طبیعی فرد، همراه با نیازهایی که دارد، اولی و بنیادی تلقی می‌شود (باقری، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۱۷۱).

۲-۱-۲. مقولهٔ خانوادگی

خانواده به‌منابۀ اولین مدرسه و دانشگاهی است که از اساسی‌ترین عوامل تشکیل شخصیت کودک به‌شمار می‌رود (نوابی‌نژاد، ۱۳۷۲، ص ۵۲) و نقش مهمی در پرورش کودک در همهٔ جنبه‌ها دارد (کاربخش‌راوری، ۱۳۹۰، ص ۴۴). با نظر به دیدگاه مصاحبه‌شوندگان، این مقوله در دو بعد «ترغیب، توصیه و همراهی» و «جو و فضای حاکم بر خانه و خانواده» تقسیم شده است. ایجاد علاقه و انگیزه و عادت در کودکان توسط والدین، اهمیت بسیاری دارد. مصاحبه‌شوندگان در این خصوص چنین اظهار می‌کنند:

برادرم همیشه من را به‌صورت کلامی تشویق می‌کردند. هر آیه و سوره‌ای که حفظ می‌شدم، خوشحالی و شادمانی اعضای خانواده انگیزه من را بیشتر می‌کرد (کد ۴).

پدر و مادرم اولین مرتبه‌ای که رتبهٔ قرآنی کسب کردم، برایم طلا خریدند. این مجاورت در دوران کودکی بسیار به من انگیزه داد (کد ۵).

اولین بار در کلاس سوم دبستان مربی پرورشی اسم من را برای مسابقات قرآن فرستادند و به خانواده‌ام هم اطلاع دادند. بعد از مدرسه که وارد خانه شدم، پدرم (خدا بیامرز) و مادرم چنان با شور و شغف از من استقبال کردند که آن روز را فراموش نمی‌کنم (کد ۹).

مادرم علاقهٔ زیادی به قرآن خواندن من داشتند. از آنجاکه خودشان نمی‌توانستند قرآن بخوانند، از من خواستند به مؤسسهٔ دارالتحقیظ برویم. چندین جلسه من را همراهی کردند تا احساس غریبی من کم شد و همین که شروع به قرآن خواندن کردم، جذبه‌ای از سوی قرآن مرا به‌سوی خود کشید (کد ۱۶).

وابستگی شدیدی به مادرم داشتم. ایشان با صبر و حوصله مدت کلاس و بازی و ... که حدود چهار ساعت بود را در کنار من سپری می‌کردند. همراهی مادرم موجب انگیزهٔ بیشتر من در شد (کد ۷).

اولین بار پدرم به من پیشنهاد دادند که همراه ایشان به جلسات قرآنی بروم. به خاطر دارم که چندین مرتبه قبول نکردم؛ اما ایشان هر دفعه تکرار می‌کردند تا اینکه یک‌بار همراهی‌شان کردم و حضورم در جلسات و قرآن خواندنم بسیار مورد توجه قرار گرفت و من عضو ثابت جلسات قرآنی شدم (کد ۱۰).

بنابراین خانهٔ مسلمان در هر سرزمینی که هست، باید پرتوی از وحی، جلوه‌ای از یاد خدا، محصولی از رفعت و بلندی و عظمت، و میوه‌ای از تسبیح حق در شب و روز باشد. چنین خانه‌ای با چنان اوصافی خانهٔ مؤمن است که اطاعت و بندگی در آن رونق دارد: «فِي بُيُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْأُدْوَى وَالْأَصَالِ» (نور: ۳۶)؛ این نور در خانه‌هایی است که خدا اذن داده است رفعت یابند و نامش در آنها ذکر شود؛ همواره در آن خانه‌ها صبح و شام او را تسبیح می‌گویند (انصاریان، ۱۳۷۵، ص ۶۴).

الگوگیری کودکان و نوجوانان از والدین، عاملی مهم است. در این روش، از فرد یا افرادی که دارای رفتار مطلوبی هستند، به‌مثابهٔ سرمشق و الگو استفاده می‌شود و چنین کسی در معرض مشاهدهٔ فرد موردنظر قرار می‌گیرد تا از رفتار او پیروی کند و خود را با او همسان سازد (کاربخش‌راوری، ۱۳۹۰، ص ۴۵). از این رو حالت نیکویی مطابق یک عمل نمونه در فرد پدید می‌آید و موقعیت فرد را دگرگون می‌کند (باقری، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۱۴۴). در اهمیت این عامل همین بس که در خود قرآن به دو صورت به آن پرداخته شده است: به‌صورت مستقیم: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا» (احزاب: ۲۱) و به‌صورت غیرمستقیم: «وَأَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ» (انبیاء: ۸۳). مصاحبه‌شوندگان این‌گونه اظهار کرده‌اند:

پدرم قاری قرآن هستند و طنین صوت قرآن از کودکی با من همراه بوده است (کد ۸).

پدرم همیشه سحرها یک جزء قرآن می‌خوانند؛ گویی صوت قرآن لالایی خواب و بیداری ماست. صدای دل‌نشین پدر و خواندن قرآن توسط ایشان را بسیار دوست داشتم (کد ۱).

در زمان کودکی، خواهر بزرگ‌ترم کلاس قرآن می‌رفتند و صوت بسیار زیبایی داشتند. پس از هر بار تلاوت، پدرم بوسه‌ای به پیشانی ایشان می‌زدند. به‌تبعیت از خواهرم و برای جلب توجه پدرم، قبل از سن مدرسه قرآن خواندن را یاد گرفتم (کد ۲).

پدر بزرگم در نیمه‌های شب نماز می‌خواندند و قرآن تلاوت می‌کردند و بسیار اهل حلال و حرام بودند. معتقد بودند باید در زندگی حتی به تکه‌نانی که می‌خوریم، توجه کنیم که چگونه و از چه راهی به‌دست آمده است. حافظ شدنم را از وجود ایشان می‌دانم و «کان أبوهما صالحاً...» آیه‌ای است که تفسیر آن مصداق همین موضوع است...؛ پاک‌ی نسل‌های قبل... (کد ۴).

بر سرپرست خانواده لازم است که قرآن را فراگیرد و زمینهٔ یادگیری آن را برای سایر اعضا نیز فراهم کند. خانه‌ای که اهلس اهل قرآن هستند، از برکت قرآن رشد عقلی و فکری پیدا می‌کند و زمینهٔ سعادت برای اهل خانه فراهم می‌شود (انصاریان، ۱۳۷۵، ص ۳۴۳).

۳-۱-۲. مقولهٔ اجتماعی

انسان موجودی اجتماعی است و برای زیستن و همزیستی نیازمند دیگران است. از نظر اجتماعی، ارزش‌های اجتماعی عواملی هستند که اکثریت یک جامعه به اهمیت و اعتبار آن پی برده‌اند. این ارزش‌ها به‌مرور زمان به‌صورت واقعیت‌ها و اموری درآمده‌اند که نیازهای مادی و معنوی افراد جامعه را برآورده می‌سازند. بنابراین، هنجارهای دینی معلول آموزش‌های دینی یک جامعه، مفروض گرفته می‌شود (ستوده، ۱۳۸۲، ص ۲۴). آدمی علاوه بر دارا بودن فطرت،

کرامت و حریت، عضوی از یک جامعه معین است. فرد در بستر فرهنگی و اجتماعی جامعه تحت تأثیر عوامل متعددی واقع می‌شود (باقری، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۱۹۶)؛ به‌طوری که امروزه ثابت شده است بسیاری از عادات و مشکلات رفتاری، به دوران کودکی و نوع ارتباطات ما برمی‌گردد (اژله، ۱۳۸۳، ص ۷).

مدرسه همانند پلی نوجوان را با جامعه پیوند می‌دهد. مدرسه می‌تواند کودک و به‌ویژه نوجوانان را افرادی مؤثر، فعال و مفید برای جامعه تربیت کند؛ لذا دستگاه تعلیم و تربیت موفق همچون پلی روشن و نورانی نوجوان را با دنیای جدید آشنا می‌کند (شرفی، ۱۳۸۱، ص ۲۷۹).

وقتی در صف صبحگاه با صدای زیبایی که خداوند در وجود من نهادینه کرده بود، قرآن می‌خواندم، معلمان مدرسه می‌ایستادند و گوش می‌دادند و این برایم بسیار ارزشمند بود (کد ۹).

معلم ما در مدرسه صوت بسیار دل‌نشینی داشتند و وقتی قرآن می‌خواندند، تمام سلول‌های بدنم به‌لرزه درمی‌آمد. ایشان آیات الهی را با معنا و تفسیر برامان می‌گفتند و این امر موجب شد حقیقت برخی امور برایم آشکار شود (کد ۲).

معلم کلاس چهارم من برخلاف سایر معلمان که از ساعت قرآن برای سایر دروس استفاده می‌کردند، بسیار به این ساعت اهمیت می‌دادند و این موجب دوست‌داشتنی شدن قرآن نزد من بود (کد ۱۵).

تشویق و ترغیب‌های معلم و مربی پرورشی دوران دبستانم را فراموش نمی‌کنم. به‌صورت مکرر و مداوم ادامه داشت تا حائز رتبه شدم و به‌تدریج قرآن دوست من شد (کد ۱۲).

صوت زیبای معلم کلاس سومم را در خاطر دارم. چنان زیبا کلمات را می‌خواندند که... که تمام بدنم نوعی لرزه و سرد شدن یک‌باره را تجربه می‌کرد. صدای معلمم خیلی در گرایش من به قرآن مؤثر بود (کد ۶).

کیفیت تعاملات و رفتارهای میان معلم و دانش‌آموز تأثیرات عمیقی بر آنها می‌گذارد و معلم مانند الگویی در ضمیرشان باقی می‌ماند. محبوبیت معلم و دوست داشته شدن از جانب دانش‌آموزان موجب حضور آنان در کلاس می‌شود و چنین ویژگی‌هایی آنها را عمیقاً جذب می‌کند (هوانگ و لین، ۲۰۱۴).

بعد از خانواده، از گروه همسالان به‌عنوان دومین عامل جامعه‌پذیری نام‌برده می‌شود. گروه همسالان با انتخاب خود فرد برگزیده می‌شود و کاملاً حول محور منافع و علایق اعضا قرار دارد (ستوده، ۱۳۸۲، ص ۴۴).

در دوران متوسطه اول، از طرف مدرسه به یک اردو رفتیم. من روخوانی خوبی داشتم؛ اما هیچ‌وقت جدی تمرین نکرده بودم. در این اردو با چند تا از دانش‌آموزان قرآنی مدرسه دوست شدم. وقتی صدای من را شنیدند و خیلی اتفاقی برایشان خواندم، تعجب کردند که چطور تاکنون در مسابقات شرکت نکرده‌ام... آغاز راه جدید در زندگی من این‌گونه رخ داد (کد ۱۴).

از طرف بسیج دانش‌آموزی به یک تفریح رفته بودیم. یکی از دوستانم برنامه‌ها را با تلاوت قرآن آغاز کرد و آیاتی از سوره بقره را از حفظ خواند. برایم خیلی جالب بود و یک‌لحظه به این فکر افتادم که من هم می‌توانم. نمی‌دانستم در آینده‌ای نه‌چندان دور خودم حافظ کل قرآن خواهم شد (کد ۷).

یکی از دوستانم که قاری قرآن بود، به من پیشنهاد داد تا به‌همراه هم مسجد برویم. قبل از آغاز نماز در مسجد، دختران همسن ما قرآن می‌خواندند و دوستم عضو آن گروه بود. از رفتار و نوع پوشش و برخورد آنها با خودم خیلی خوشم آمد و عضو گروه آنها شدم (کد ۳).

در مسابقات استانی با یکی از رقیبان خودم دوست شدیم. از آنجاکه ایشان اساتید برجسته‌ای داشتند، اطلاعات و دانسته‌های خودشان را در اختیار من هم قرار دادند (کد ۹).

بنابراین شکل‌گیری قسمتی از شاکلهٔ فرد تحت تأثیر خود و دیگران، با عضویت گروهی پیوند دارد و متشکل از سه عنصر است: عنصر معرفتی (آگاهی فرد)؛ عنصر ارزشی (تأکید بر داورهای ارزشی)؛ و عنصر احساسی، که احساسات فرد در گروه یا کسانی را که رابطهٔ خاصی با آن گروه دارند، بیان می‌کند (تاجفل و ترنر، ۱۹۷۸، ص ۵۹-۶۰). رسانهٔ ارتباط‌جمعی به ابزاری گفته می‌شود که در یک جامعه از آن برای ابلاغ پیام‌ها و بیان افکار و انتقال مفاهیم به دیگران استفاده می‌شود (ستوده، ۱۳۸۲، ص ۴۵). تلویزیون نمونه‌ای است که ورود همه‌کس را به میدان خود ممکن می‌سازد؛ نیاز به تجارب قبلی یا اندوختهٔ علمی و تئوری ندارد و بدون محدودیت می‌تواند مفید یا مضر واقع شود (پستمن، ۱۳۸۸، ص ۱۶۲). مصاحبه‌شوندگان به نقش و تأثیر رسانه‌های ارتباط‌جمعی این‌گونه اشاره کرده‌اند:

همیشه دوست داشتم بدانم آیاتی که از قرآن در مواقع خاص از تلویزیون پخش می‌شود، چه معنایی می‌دهد؛ یا آنها از کدام سوره هستند (کد ۷).

پخش صدای زیبایی استاد فروغی و نوع تلاوت ایشان را که از زمان کودکی‌شان بود، در یک کلیپ شنیدم و بسیار لذت بردم و با خودم می‌گفتم: من که صوت خوبی دارم، می‌توانم مانند ایشان تمرین کنم (کد ۱).

پخش صدای دل‌نشین استاد شحات انور از رادیو برایم بسیار دل‌نشین بود. سورهٔ حمد را با زیبایی خاصی تلاوت کردند که روح انسان را نوازش می‌داد. هم‌اکنون هم کلیپ‌های ایشان را داندلود می‌کنم و گوش می‌دهم (کد ۸).

پدرم برای من یک ضبط‌صوت گرفتند و من اوقاتی از روز را به گوش دادن با آن می‌گذراندم و دوست و همراه من بود (کد ۹۶). مادرم از سفر حج یک پکیج کامل نوارهای صوتی قرائت قرآن خریده بودند و در خانه گوش می‌دادند. صدای قاریان در آن نوارها هر روز در فضای خانه‌مان شنیده می‌شد و چون شمرده و آرام تلاوت می‌شد و من هم می‌توانستم

حظ ببرم، به تدریج به آنها وابسته شدم (کد ۱۵).

چون فهم برخی آیات برایم دشوار بود، از تلویزیون برنامهٔ درس‌هایی از قرآن را می‌دیدم و بسیاری از مجهولات برایم رفع می‌شد (کد ۵).

خداوند متعال خانهٔ پرستش خود را خانهٔ مردم جهان خوانده است و می‌توان خانهٔ امن او را که مأمن آرامش و همدلی است، اولین مسجد دانست (راشدی، ۱۳۸۰، ص ۳۷): «إِنَّ أَوَّلَ نَبِيَّتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بَنَىٰ مَبَارَكًا وَهُدًىٰ لِّلْعَالَمِينَ»

(آل عمران ۹۶)؛ یقیناً نخستین خانه‌ای که برای [عبادت] مردم نهاده شده، همانی است که در مکه است که پربرکت و وسیلهٔ هدایت برای جهانیان است. لذا حق مسجد این است که آن را غریب‌نگذاری و برای اقامهٔ نماز در آن بشتابی

(راشدی، ۱۳۸۰، ص ۱۳۲). از طرفی، متصدیان مسجد به دلیل نزدیکی با مظهر ذکر و یاد خدا، انسان را به پروردگار

نزدیک می‌کنند؛ تا جایی که در رسالهٔ حقوق امام سجاد^{علیه السلام} به این موضوع اشاره شده است: «حق گویندهٔ اذان و منادی

نماز این است که بدانی تو را به یاد پروردگارت می‌اندازد...» (حدیث ۲۸)؛ «و حق پیش‌نماز تو این است که بدانی ایلچی

میان تو و خدا و نمایندهٔ تو در بارگاه اوست...» (حدیث ۲۹). درخصوص اهمیت نقش مسجد و متصدیان آن می‌توان موارد زیر را از نظر مصاحبه‌شوندگان بیان کرد:

علاقهٔ زیادی به مکبر شدن در مسجد داشتم. متولی مسجد از من خواست تا سوره‌های کوچک را حفظ کنم تا اجازه دهد تکبیر بگویم. هدیهٔ من یک شکلات و میکروفن بود و این علاقه به حفظ آیات را مدیون ایشان هستم (کد ۱۲).

در مسجد محله‌مان بعد از نماز مغرب و عشا یک صفحه از قرآن به‌همراه معنا و تفسیر توسط امام جماعت بیان می‌شد. من خیلی کوچک بودم و در این فاصلهٔ برنامهٔ قرآنی، با دوستانم ساعات بیشتری را در مسجد بازی می‌کردیم (کد ۱۴).

متولی مسجد محله‌مان قبل از پخش اذان، آیاتی از قرآن را از طریق بلندگوی مسجد پخش می‌کردند. با بلند شدن صدای قرآن، ما برای وضو و نماز آماده می‌شدیم. تقارن صوت زیبای استاد عبدالباسط و مهیا شدن برای نماز موجب شد پیش‌ازپیش از شنیدن صدای قرآن لذت ببرم (کد ۶).
در کانون فرهنگی مسجد محله کلاس‌های قرآن تشکیل می‌شد و من از طریق مسجد با این کلاس‌ها آشنا شدم و از دوران کودکی همیشه به این کلاس‌ها می‌رفتم (کد ۱۱).

سنت، فرهنگ و روابط اجتماعی، دامنه و بستری است که فرد در عرصه و میدان تأثیر آن قرار دارد. براین اساس تربیت اجتماعی به‌نحو اجتناب‌ناپذیری مستلزم آن است که فرد جایگاه خود را در دامنه سنت‌های اجتماعی و در بستر فرهنگ و روابط اجتماعی باز یابد. از آنجاکه فرهنگ و سنت‌های اجتماعی راه و رسم گوناگونی دارند، از اعتبار یکسان نیز برخوردار نیستند و لذا باید رویکردی گزینشی به این امر داشت (باقری، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۲۰۹). بنابراین افراد قادرند در بستر و ساختار اجتماعی معینی هویت یابند (همان، ص ۱۸۲). براین اساس می‌توان چنین تأییراتی را از دید مصاحبه‌شوندگان بیان کرد:

جلسات قرائت خانگی در محله ما دایر بود و از کودکی همراه مادرم شرکت می‌کردیم. بزرگ‌تر که شدم، جلسات مخصوص پسران تشکیل شد. بعد از مدتی از آن محله نقل مکان کردیم و من دیگر توانستم در این جلسات شرکت کنم. با خودم تصمیم گرفتم ارتباطم را با خدا حفظ کنم و خودم روزانه سه صفحه قرآن بخوانم (کد ۴).
در دوران کودکی‌ام در محله‌های دیگر جلسات قرآن بود و من به‌همراه مادر و خواهرم به این جلسات می‌رفتم و شوق یادگیری قرآن جوانه زد؛ تا اینکه به پدر و مادرم پیشنهاد دادم خودمان در منزل جلسات قرائتی داشته باشیم (کد ۲).
در محله جلسات قرآن دوره‌ای در خانه‌ها برگزار می‌شد و من روزهایی که در خانه ما بود را بسیار دوست داشتم (کد ۱).
آنهايي که در محافل قرآنی حضور داشته‌اند و تا اندازه‌ای با معانی آن آشنا بوده‌اند، با شنیدن آیات رحمت به شوق آمده و مسرور شده‌اند و ایمانشان استوارتر شده است (هادوی کاشانی، ۱۳۷۸، ص ۷۷).

می‌توان گفت عوامل بسیاری در گرایش و انس نوجوانان و جوانان به قرآن مؤثر است: خود «فرد» برای پاسخ‌گویی به وجدان راستین و نیازهای درونی خویش؛ «خانواده» به‌عنوان اولین نهادی که کودک و نوجوان در آن وارد شده و شخصیت خود را براساس موازین آن ترسیم می‌کند؛ و «جامعه» و انواع ارتباطات اجتماعی که موجب پیوند بسیاری از روابط می‌شود. همه این عوامل در کنار یکدیگر می‌توانند موجب تمایل، پرورش، هدایت و پیمودن راه حق و حقیقت شوند.

۲-۲. آثار انس با قرآن

«قرآن، نامه حق به‌سوی عبد است که پاسخ این نامه توسط عبد واجب است. پاسخ آن از جهت قلب، آراسته شدن به حقایق حقه، و از جهت نفس، متصف شدن به حقایق اخلاقی، و از جهت جسم، قرار گرفتن در گردونه عمل صالح است» (انصاریان، ۱۳۷۵، ص ۳۴۱). خداوند متعال از طریق قرآن انسان را از صفات و رفتارهای پسندیده و قبیح آگاه می‌کند. انسان به‌واسطه عمل به قرآن و مداومت بر آن به‌تدریج صفات مذموم و نکوهیده را ترک می‌کند و صفات پسندیده را در خود رشد می‌دهد. کسی که به قرآن عمل کند و بنای کار خود را قرآن قرار دهد، لطیف شده، با قرآن مانوس می‌شود. چنین فردی الگو، اسوه و برنامه حقیقی عملی و علمی خود را قرآن می‌داند و به‌مرور، صفات و ملکات حمیده در او جوانه می‌زند و شخصیت و انسانیت حقیقی در او شکل می‌گیرد (حسینی طهرانی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۲۰۰). بنابراین کسی که با قرآن انس گیرد، روش و منش قرآنی در رفتار او نمودار می‌شود (یدالله‌پور، ۱۳۹۰). انس با

قرآن بر رفتار، شخصیت و منش و نگرش فرد به نظام احسن هستی و سطح دانش و فهم او از این مقولات تأثیری ژرف دارد. فرد مأنوس با قرآن در تمام ساحت‌های تربیتی از این منبع فیض الهی بهره می‌گیرد و مواهب سودمند آن را در سراسر زندگی خود اشاعه می‌دهد. بنابراین دومین پرسش در این مقاله به بررسی آثار انس با قرآن می‌پردازد.

سؤال دوم: آثار و پیامدهای انس با قرآن در زندگی شما تا چه اندازه بوده است؟

یافته‌های پژوهش با توجه به بیانات مصاحبه‌شوندگان در ساحت‌های مختلف تربیتی، درخصوص آثار انس با قرآن

در سه سطح دانش، نگرش و رفتار، مطابق جدول (۲) تقسیم می‌شوند.

جدول ۲: سطوح شکل‌گیری آثار انس با قرآن

مضمون کلی	سطوح
آگاهی سازمان‌یافته، شناخت، فهم و معرفت‌یافتگی	دانش
بینش عمیق، بصیرت‌یافتگی	نگرش
نمود ظاهری در عمل، نمود باطنی در انگیزه‌درونی	رفتار

۱-۲-۲. تربیت دینی

کلیدواژه‌های اساسی تربیت دینی، «واجب» و «حرام» است (باقری، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۶۰). تدین و دینی شدن یک شخص، حاکی از دگرگونی‌هایی است که بدین واسطه در فرد ایجاد می‌شود و این تغییرات، تحت تأثیر عوامل، اعتقادات و افکار، تجربه‌درونی، التزام درونی و عمل است. بنابراین فرد متدین کسی است که به مقتضای اعتقادات و ایمان خود، اقدام به انجام عملی می‌کند (همان، ص ۶۸-۷۱). موارد زیر گوشه‌ای از سخنان مصاحبه‌شوندگان درخصوص تأثیرات انس با قرآن در تربیت دینی است.

وقتی حافظ قرآن شدم، قنوت نماز برایم معنای دیگری پیدا کرده؛ انگار خدا ایستاده تا من آنچه می‌خواهم، بگویم و او برایم مهیا کند. قنوت نماز را طوری می‌خواندم و حالات من به گونه‌ای بود که انگار فقط من و خدا هستیم و من در هر قنوت، خاضعانه و خاشعانه از خداوند سه مورد از درخواست‌هایم را بیان می‌کردم (کد ۴).

پس از مأنوس شدنم با قرآن، در مورد مسئله خمس با پدرم صحبت کردم و بلافاصله خمس اموالمان را و حتی سال‌هایی که خمس نداده بودیم را جبران کردیم. تا قبل از پرداخت خمس معیشت تنگی داشتیم؛ اما بعد از پرداخت خمس گرفتاری‌ها برطرف شد و از نظر مالی وسعت یافتیم. من با تمام وجود دریاقتم که خمس مثل هرس درختان است؛ گرچه در ظاهر کم می‌شود؛ اما در باطن ثمره فراوانی به‌بار می‌آورد (کد ۱۶).

در مدت سه هفته تصمیم گرفتم قبل از نماز ابتدا قرآن را حفظ و مرور کنم. در کمال تعجب دیدم همان مرورهای بیست دقیقه‌ای، سی یا چهل دقیقه طول می‌کشد. متوجه تذکرات و الهامات الهی از طریق قرآن شدم. احساس کردم خداوند از من دلگیر شده و دوست دارد نمازم را سر وقت و همان دقایق منتهی به اذان بخوانم. تجدیدنظر کردم دیدم مدت‌زمان مرور کاهش یافت و خداوند لطف خود را از طریق نماز اول وقت شامل حال من کرد (کد ۴).

به این فهم رسیدم که دستورات الهی نه سر سپردن، که دل سپردن است. با عقل، روزه سخت، خمس و زکات پول زور، امر به معروف کنجاوی در زندگی دیگران [است] و بسیار موارد دیگر قابل درک نیست. در راه حق باید دل داد تا دل‌داده شد (کد ۱۴).

اعمال عبادی مانند روزه و خمس و... را دیگر سختی نمی‌دیدم؛ بلکه برایم عین آسودگی و آرامش بود (کد ۱۷).

یک سال پیش پدرم از دنیا رفتند؛ اما درونم پر از آرامش بود؛ چون می‌دانستم از یک جای تنگ به جایی وسیع و بهتر و ابدی رفتند (کد ۱۲).

نگاهم به زندگی و مرگ کاملاً تغییر کرد. زندگی و مرگ به یک اندازه برایم شیرین است. زندگی زیباست؛ چون خدا هست؛ صاحب‌الزمان هست. مرگ هم زیباست؛ چون به آغوش خداوند رفتن است (کد ۳).

۲-۲-۲. تربیت اخلاقی

اخلاق عبارت است از شکوفا شدن همه ابعاد مثبت انسانی در مسیری که رو به هدف‌های عالی زندگی باشد و یکی از این جنبه‌ها خوش‌رویی و نرمی در برخورد با هم‌نوعان و آراستن خود برای دیگران است (جعفری، ۱۳۶۰، ص ۴۲). تربیت اخلاقی با بایدها و نبایدها سروکار دارد و موجب تعیین مرزها و حدود و ثغور رفتار آدمی می‌شود (باقری، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۶۰). در ادامه، نمونه‌ای از دیدگاه مصاحبه‌شوندگان بیان شده است:

در دوران ابتدایی و حتی متوسطه اول، گاهی اوقات پدر و مادرم را با لفظ «تو» خطاب می‌کردم. بعد از مانوس شدن بیشتر با قرآن و فهم آیات الهی، در نوع گفتارم تجدیدنظر کردم (کد ۸).

دوستی داشتم که در این عرصه با هم رقابت داشتیم؛ ولی ایشان صدای بهتری داشتند. اوایل برایم سخت بود که اغلب ایشان نفر اول مسابقات بودند؛ اما به تدریج وقتی انس بیشتری پیدا کردم، به این فهم رسیدم که او که باید ببیند، می‌بیند (کد ۵).

در مورد بسیاری از اصول اخلاقی، گمان می‌کردم حرف روحانیون است؛ اما بعد از آشنایی با قرآن متوجه شدم اتفاقاً غیبت و تهمت ... سخن مستقیم الهی است و در قرآن به آنها اشاره شده است (کد ۱۴).

گاهی اوقات که می‌خواستم غیبت کنم، آیاتی از قرآن پیش چشمانم می‌آمد؛ گویی خودم را حین خوردن گوشت دوستانم می‌دیدم. خیلی سریع استغفرالله می‌گفتم و ادامه نمی‌دادم (کد ۱۳).

در مورد نوع رفتار و سطح روابط با محرم و نامحرم بسیار جدی‌تر شدم و بسیاری از اصولی را که رعایت نمی‌کردم، اکنون رعایت می‌کنم. در واقع من قرآن را حفظ نکردم؛ بلکه قرآن من را از فتنه‌های آخرالزمان و هوس‌ها و امیال شیطانی حفظ کرد (کد ۱۶).

۲-۲-۳. تربیت عقلی

حدود ۷۳۰ آیه در قرآن در خصوص موضوع شناخت است. آنچه در قرآن تحت عنوان حیات معقول نام برده شده، درک صحیح پدیده‌ها و مسائل و ارتباط آنها با معرفت الهی است (جعفری، ۱۳۶۰، ص ۳۲۷). از این رو عبودیت در مقام پذیرش دین نیست؛ پذیرش دین مستلزم فهم و عقلانیت است. زمانی که فردی امور را عقلانی تلقی می‌کند و آنها را معقول می‌داند، از آنها تبعیت می‌کند. انسان هنگامی اعتقادات خود را اصیل می‌داند که موجه و مدلل بودن آنها از نظر عقلی برجسته شود (باقری، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۷۳). مصاحبه‌شوندگان در این خصوص به موارد زیر اشاره کرده‌اند:

همیشه سعی می‌کنم قبل از شروع درس خواندن، آیاتی از قرآن را برای خودم تلاوت کنم. معتقدم موجب تمرکز حواس می‌شود و دروس را بهتر متوجه می‌شوم (کد ۱۱).

قرآن وسعت دید مرا افزود؛ به نحوی که تمام عالم را خدا می‌بینم تا اینکه عالم را محضر خدا ببینم (کد ۷). قرآن من را به انسان نورال و معتدلی تبدیل کرد. در سختی و مشکلات زندگی اجازه نداد حرف‌های خام، تصمیمات عجولانه، سخنان نسجیده ... از من سر بزنند. من با قرآن خودم را سازمان‌دهی می‌کردم؛ شاید هم قرآن مرا (کد ۴). قرآن نگاه و دید مرا نسبت به هستی و کائنات تغییر داد (کد ۱۰).

۴-۲-۲. تربیت عاطفی

تربیت عاطفی با کانون احساسات آدمی، یعنی قلب او سروکار دارد. این جنبه از شخصیت انسان بسیار پیچیده است و اهمیت و حساسیت خاصی دارد؛ به گونه‌ای که بسیاری از رفتار، افکار، تخیلات و تصمیمات روزانه انسان تحت تأثیر وضعیت عاطفی و حالات احساسی اوست (زینلی و همکاران، ۱۳۹۶). قرآن ذکر خداست و ذکر خدا خود موجب آرامش و مأمّن سکینه است. مصاحبه‌کنندگان در این خصوص به موارد ذیل اشاره کرده‌اند:

از اتفاقاتی مانند کم‌آبی، آتش‌سوزی، جنگ‌ها، حیوان‌آزاری به‌قدری ناراحت می‌شوم که تنها با قرآن خواندن آرام می‌شوم (کد ۱۰).

قرآن قلب من را مهربان کرد؛ حتی گاهی اوقات از دیگران ناراحت نمی‌شوم و فرض را بر شرایط دشوار می‌گذارم (کد ۴).

معلمی داشتیم که همیشه اصرار داشتند با وضو باشیم و به‌جای خطبر، از نوک انگشتمان برای خط بردن استفاده کنیم؛ بعد از پایان کلاس دست را بر صورت بکشیم تا آثار قرآن بر زندگی‌مان مشخص شود. من به این درک رسیدم که لمس آیات الهی نوعی شفاست (کد ۲).

در فصل امتحانات، اضطراب و استرس زیادی را تجربه می‌کنم. انتظارات از یک فرد قرآنی واقعاً زیاد است و من همیشه نگرانم؛ اما این اضطراب چند دقیقه بیشتر به‌طول نمی‌انجامد و من با قرائت آیاتی که از حفظ دارم، آرامش خود را به‌دست می‌آورم (کد ۸).

۵-۲-۲. تربیت اجتماعی

اصول سیاست هر بینشی براساس نگرشی است که صاحب آن اندیشه یا مکتب از انسان، جهان و نظام ارزشی آن دارد. ارزش‌هایی مانند تهذیب نفس، تصحیح روابط بین‌فردی، قیام به قسط و عدل، ترجیح غیر بر خویشتن، محوریت تقوا در تکریم انسان، احسان به همه افراد جامعه، و اتحاد و برادری، از این قسم‌اند (سلطانی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۷).

همیشه در نوع رفتار و برخورد با دوستانم دقت می‌کنم. خیلی مراقب هستم رفتار نادرستی از من سر نزند و موجبات دلخوری و ناراحتی دوستانم را فراهم نکنم؛ چون حق الناس است (کد ۳).

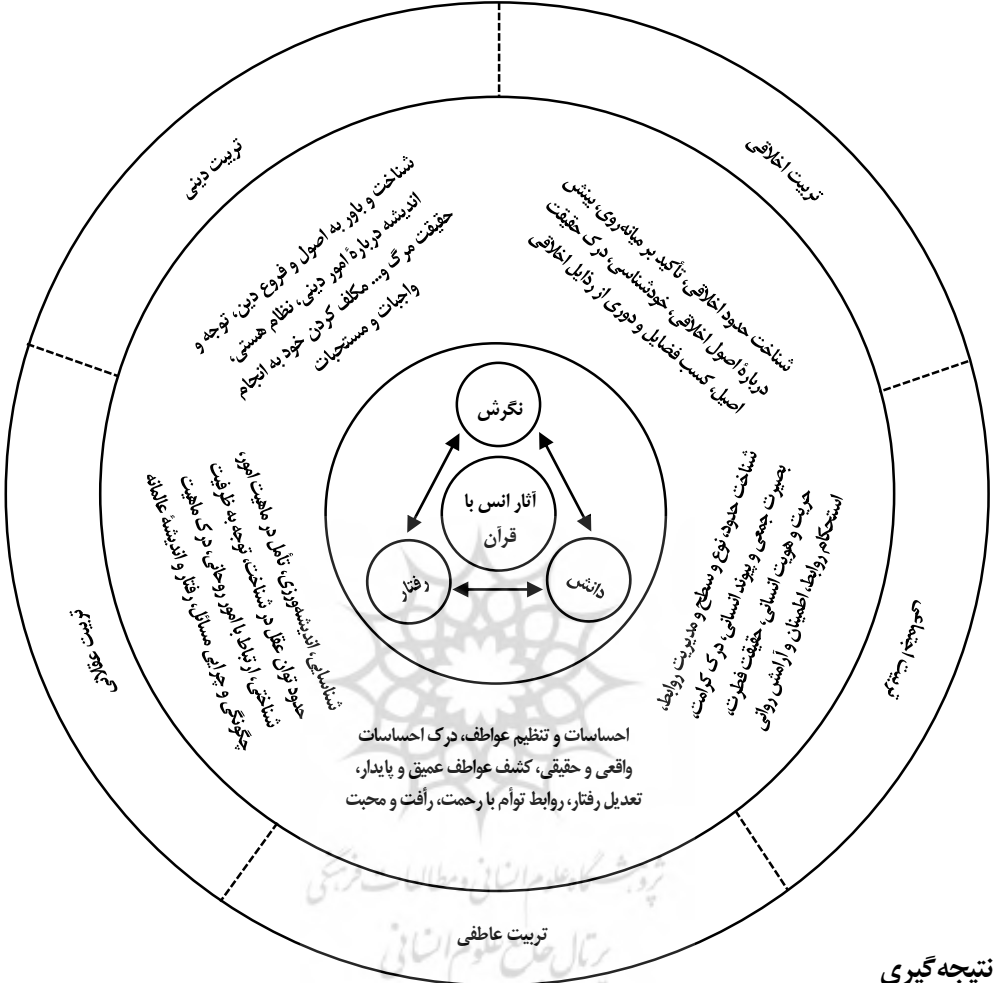
موقعیت‌های گوناگون و مشاجره‌های خانوادگی و دوستانه برای همه رخ می‌دهد. قرآن خواندن من را آرام می‌کرد و با احساس خونسردی و منطق در مورد موضوع بحث می‌کردم. انگار بودن با قرآن من را تکمیل می‌کرد و اجازه نمی‌داد رفتاری کنم که پشیمانی به‌بار آورد (کد ۴).

از زمانی که قرآن دوست و همراه من است، هر زمان که قصد دارم برای دوست و آشنایی هدیه‌ای تهیه کنم، به‌یاد آیه ۸۶ سوره نساء می‌افتم و یا هدیه‌ای مثل آن و یا بهتر از آن را به دوستم می‌دهم (کد ۱).

در نوع برخورد و ارتباط با دیگران به این فکر می‌کنم که رفتار من نمایانگر آیات الهی است و همه من را فردی مأنوس با قرآن می‌شناسند (کد ۱۵).

آثار و پیامدهای انس با قرآن در ساحت‌های مختلف تربیتی متفاوت است؛ اما نمی‌توان این موارد را به‌صورت مستقل از هم قرار داد. فرد مأنوس با قرآن باطن و حقیقت امور را درمی‌یابد و در ارتباط با خدا، خود و دیگران جوانب احتیاط را رعایت می‌کند. نمودار (۱) نشان‌دهنده ابعاد آثار قرآن در ساحت مختلف تربیتی است.

نمودار ۱: آثار قرآن در ساحات تربیتی



نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به‌منظور بررسی عوامل مؤثر در شکل‌گیری انس با قرآن و آثار مرتبط با آن انجام شده است. نتایج به‌دست‌آمده حاکی از آن است که انس با قرآن فرایندی است متأثر از شرایط و موقعیت‌های گوناگون که به‌صورت تدریجی در افراد شکل می‌گیرد. در این پژوهش، عوامل مؤثر در شکل‌گیری انس با قرآن در قالب سه مقوله زیر بیان شد: مقوله فردی با زیرمقولات عوامل ماوراءالطبیعی، خدمت به جامعه، علایق شخصی، ارضای نیازها و اجر اخروی؛ مقوله خانوادگی با عوامل ترغیب، توصیه و همراهی خانواده، و فضا و جو حاکم بر خانواده؛ و مقوله اجتماعی با عوامل معلم، دوستان، رسانه جمعی، مسجد و جلسات قرآنی. به‌علاوه، این عوامل در سه حوزه دانش، نگرش و رفتار منجر به شکل‌گیری آثاری مرتبط با ساحات تربیت دینی، اخلاقی، عقلی، اجتماعی و عاطفی در افراد شده است؛ از همین‌رو با ورود امور دینی و معنوی به زندگی، انتظار می‌رود سطح شادی و احساس آرامش درونی افراد، با توجه به دشواری‌های زندگی انسان در جامعه کنونی، افزایش یابد.

منابع

- قرآن کریم (۱۳۸۹). ترجمه حسین انصاریان. قم: آیین دانش.
- نهج البلاغه (۱۳۸۷). ترجمه محمد دشتی. قم: امام عصر علیه السلام.
- انصاریان، حسین (۱۳۷۵). نظام خانواده در اسلام. قم: ام‌بیها.
- اسونسن، لارنس (۱۳۹۶). فلسفه ملال. ترجمه افشین خاکباز. تهران: فرهنگ نشر نو.
- الهامی‌نیا، علی اصغر و همکاران (۱۳۹۰). معنویت اسلامی (چیستی، چرایی و چگونگی). قم: زمزم هدایت.
- ایلخ، ایزوله (۱۳۸۳). مشکلات رفتاری کودکان، ترجمه سپیده خلیلی. تهران: پیدایش.
- ایرانشمنش، اعظم و همکاران (۱۳۹۳). آثار انس با قرآن بر ویژگی‌های شخصیتی دانش‌آموزان دبیرستان‌های دخترانه شهر کرمان. *مطالعات روان‌شناسی تربیتی*، ۱۰(۲۰)، ۳۴-۵۲.
- آزادی، محمدکریم (۱۳۷۹). تعلیم و تربیت از دیدگاه سعدی. تهران: رهگشا.
- آقاجانی، محمد و میرباقر، ندا (۱۳۹۴). بررسی رابطه بین انس با قرآن و سلامت روان در دانشجویان پرستاری. *اسلام و سلامت* (دانشگاه علوم پزشکی بابل)، ۲(۴)، ۷-۱۲.
- باقری، خسرو (۱۳۸۹). نگاهی دوباره به تربیت اسلامی. تهران: مدرسه.
- _____ (۱۳۹۰). نگاهی دوباره به تربیت اسلامی. تهران: مدرسه.
- بنام، خدیجه و امینی، نوروز (۱۳۹۶). مفهوم انس با قرآن و آثار آن در سبک زندگی اسلامی. *احسن الحدیث*، ۲(۳)، ۱۰۷-۱۲۰.
- بوک، سببلا (۱۳۹۶). در جست‌وجوی خوشبختی از ارسطو تا علم مغز. ترجمه افشین افشار. تهران: فرهنگ نشر نو با همکاری آسیبم.
- پستمن، نیل (۱۳۸۸). نقش رسانه‌های تصویری در زوال دوران کودکی. ترجمه صادق طباطبایی. تهران: اطلاعات.
- جعفری، محمدتقی (۱۳۶۰). شناخت از دیدگاه علمی و از دیدگاه قرآن. تهران: دفتر نشر و فرهنگ اسلامی.
- چمن‌پیمان، سکینه و همکاران (۱۳۹۷). وحی قرآنی و پدیدارشناسی وحی قرآن براساس نظریه رؤیای رسولانه داوری میان نظریه‌های وحیانی بودن الفاظ قرآن و رؤیانتگاری وحی بر مبنای پارهای از آیات قرآن. *مطالعات تاریخی قرآن و حدیث*، ۲۴(۶۴)، ۵۱-۷۰.
- حسین‌زاده، مهدی و همکاران (۱۳۹۵). ارتباط انس با قرآن و سلامت روانی در بین دانشجویان دانشکده پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران. *طب و ترکیب*، ۲۹(۱)، ۲۹-۳۶.
- حسینی‌طهرانی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۰ق). علوم و معارف اسلام نور ملکوت قرآن از قسمت انوار الملکوت. تهران: علامه طباطبائی.
- دبیرخانه شورای توسعه فرهنگ قرآنی (۱۳۹۱). آشنایی با منشور توسعه فرهنگ قرآنی، به کوشش: محمدحسین فریدونی و همکاران. تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- دورانت، ویلیام جیمز (۱۳۹۶). درباره معنی زندگی. ترجمه شهاب‌الدین عباسی. تهران: کتاب پارسه.
- دوزن، امی‌وان (۱۳۹۶). روان‌درمانی و جست‌وجوی شادکامی - بر مبنای چشم‌انداز وجودی. ترجمه احمدرضا کیانی و یاسمن جمشیدیان. تهران: کتاب ارجمند.
- راشدی، حسن (۱۳۸۰). نمازشناسی. قم: مهر.
- رساله حقوق امام سجاد علیه السلام (۱۳۸۴). ترجمه لطیف راشد. تهران: امیرکبیر.
- رستمی‌نسب دولت‌آباد، زینب (۱۳۹۶). تأثیر انس با قرآن بر بهداشت و سلامت روانی نوجوانان و جوانان. *مطالعات قرآنی*، ۸(۳۰)، ۳۷-۴۸.
- رمضانی، رضا (۱۳۸۷). آرای اخلاقی علامه طباطبائی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

- روث، مایکل (۱۳۹۵). *چرا حال انسان امروزی خوب نیست!*. ترجمه فریبا مقدم. تهران: بنیاد فرهنگ زندگی.
- رهبی، محمدتقی و رحیمیان، محمدحسن (۱۳۸۳). *اخلاق و تربیت اسلامی*. تهران: سمت.
- زینی، فاطمه و همکاران (۱۳۹۶). بررسی مفهوم و روش‌های تربیت عاطفی از دیدگاه علامه طباطبائی. *پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی*، ۲۵(۳)، ص ۴۳-۱۱.
- ستوده، هدایت‌الله (۱۳۸۲). *آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات)*. تهران: آوای نور.
- سلطانی‌نژاد، نجمه و همکاران (۱۳۹۷). دلالت‌های حاکم بر برنامه دینی در رویکرد تعلیم و تربیت اسلامی به پدیده جهانی شدن با تأکید بر دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی. *پژوهش در برنامه‌ریزی دینی*، ۱۵(۳۰)، ص ۴۳-۵۶.
- سند تحول بنیادین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران* (۱۳۹۰). مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران.
- شرفی، محمدرضا (۱۳۸۱). *دنیای نوجوان*. تهران: مؤسسه فرهنگی منادی تربیت.
- شکوری، مجتبی و فریدونی، محمدحسین (۱۳۹۵). طبقه‌بندی شاخص‌های دانشی و مهارتی پیامد انس با قرآن کریم از منظر کارشناسان حوزه آموزش و مدیریت امور قرآنی. *تحقیقات علوم قرآن و حدیث*، ۱۴(۱)، ص ۸۱-۱۰۷.
- علوی، سیدحمیدرضا (۱۳۹۱). *نکات اساسی در فلسفه تعلیم و تربیت و مکاتب فلسفی - تربیتی*. کرمان: دانشگاه شهید باهنر.
- فاضلی دهکردی، مهدی و رضوان‌خواه، سلکتم (۱۳۹۷). بررسی ذکر و یاد خدا به‌عنوان یکی از شاخصه‌های انس با قرآن و تأثیر آن در تربیت اخلاقی. *مطالعات قرآن و حدیث*، ۴(۱)، ص ۱۲۹-۱۵۷.
- فاکر میبیدی، محمد (۱۳۸۹). *مراحل انس با قرآن*. قم: زمزم.
- فری، لوک (۱۳۹۵). *راهنمای فلسفی زیستن*. ترجمه افشین خاکباز. تهران: فرهنگ نشر نو.
- فلیک، اووه (۱۳۹۱). *درآمدی بر تحقیق کیفی*. ترجمه هادی جلیلی. تهران: نشر نی.
- کاربخش‌راوری، ماشالله (۱۳۹۰). *چگونه کودکان و نوجوانان را به مطالعه علاقه‌مند کنیم؟*. تهران: مدرسه.
- کوهستانی، حمیدرضا و همکاران (۱۳۹۲). تبیین تجارب دانشجویان پرستاری از انس با قرآن در کنترل اضطراب امتحان: یک مطالعه کیفی. *تحقیقات کیفی در علوم سلامت*، ۴(۲)، ص ۳۷۹-۳۹۲.
- کیومرثی، غلامعلی (۱۳۸۹). *مبانی اصول تربیت دینی و تفاوت آن با تعلیمات دینی*. تهران: مدرسه.
- گال، مردیت، بورگ، والتر و گال، جویس (۱۳۹۲). *روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان‌شناسی*. ترجمه احمدرضا نصر و همکاران. تهران: سمت.
- لونوار، فردریک (۱۳۹۶). *خوشبختی در پیش‌رو - سفری فلسفی*. ترجمه هوشمند دهقان. تهران: پیام امروز.
- مرادی کشاورز، محمدرضا و خدری، لیلا (۱۳۹۰). *قرآن‌المکتاب*. تهران: دستان.
- مور، توماس (۱۳۹۸). *مراقبت از روح - راهنمای پرورش معنادر زندگی روزمره*. ترجمه ندا صابری. تهران: علمی و فرهنگی.
- نویی‌نژاد، شکوه (۱۳۷۲). *رفتارهای بهنجار و نابهنجار*. تهران: انجمن و اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران.
- هادوی کاشانی، علی اصغر (۱۳۷۸). مراتب انس با قرآن در روایات. *علوم حدیث*، ۱۳(۱)، ص ۷۱-۹۱.
- هالیس، جیمز (۱۳۹۶). *یافتن معنا در نیمه دوم عمر*. ترجمه سیدمرتضی نظری. تهران: بنیاد فرهنگ زندگی.
- همیلتن، کریستوفر (۱۳۹۶). *فلسفه زندگی - تأملاتی در باب حیات، معنا و اخلاق*. ترجمه میثم محمد امینی. تهران: فرهنگ نشر نو.
- یدالله‌پور، بهروز (۱۳۹۰). بررسی مستندات راه‌های انس بیشتر دانشجویان با قرآن. *مطالعات تفسیری*، ۲(۶)، ص ۱۱۶-۱۴۶.

- Alavi. H. R (2007). Correlative of happiness in university students of Iran (A Religious Approach). *Journal of Religion & Health*. N. 46 (4). p. 480-499.
- Alavi. H. R (2009). Quantifying Happiness: A study of shi'a university students in Kerman, Iran. *journal of shi'a Islamic studies*. N. 2 (1). p. 85-101.
- Carter, Katherine (1993). The Place of Story in the Study of Teaching and Teacher Education. *Education Researcher*. N. 22 (1). p. 5-18.
- Creswell, J (1994) *Research Desig Qualitative & Quantitative Approaches*. Lodon. sage publications.
- Creswell, John W (2012). *Educational research : planning, conducting, and evaluating quantitative and qualitative research*. 4 edition. University of Nebraska–Lincoln publications.
- Hoggard, L (2005). How to be happy. London:B.B.C. Books.
- Huang, Y.C., Lin, S.H (2014). Assessment of Charisma as a Factor in Effective Teaching. *Educational Technology&Society*. N. 17 (2). p. 284-295.
- Kang, Hyeon-Suk (2015). Development of Narrative- Based Pedagogical Content Knowledge. *Advanced Science and Technology Letters*. N. 31-35, p. 109-113.
- Koenig H.G, King D.E, Carson V.B (2012). *Handbook of Religion and Health*. 2 edition. New York. NK USA. Oxford University Press.
- Koenig, H. G, McCullough, M. E and Larson, D. B (2001). *Handbook of Religion and Health*. Oxford University Press. New York. NY. USA.
- Koenig, Harold G (2012). Religion, Spirituality, and Health: The Research and Clinical Implications. International Scholarly Research Network ISRN Psychiatr,V (1391), p.1-33, doi:10.5402/2012/278730 .
- Martin, P (2005). *Making happy people*. London. Harper Perennial.
- Maykut, P. & Morehouse, R (1994). *Beginning Qualitative Research*. London. The Falmer Press.
- Nettle.D (2005). *Happiness*. Oxford. Oxford University Press.
- Tajfel, H, & Turner, J.C (1979). *Social identity and intergroup behaviour "An Integrative Theory of Intergroup Conflict"*. *Organizational Identity: University of Bristol, England*.